

، رابرت وانوی ، پیامبران بزرگ، درس هشتم

اشعیا ۱۱: ۹-۱۰، رویکردهای متفاوت به اشعیا ۱۱: ۶-۹

بررسی اشعیا ۱۰

ما هنوز در کتاب عمانوئیل هستیم، که همان اشعیا ۷-۱۲ است. ما فصل ۱۰ را در پایان ساعت آخر به پایان رساندیم، بنابراین امروز صبح به فصل ۱۱ می‌رویم. به یاد داشته باشید که فصل ۱۰ با بریدن، می‌توان گفت، جنگل آشور به پایان رسید. این زبان در پایان، زبان مجازی است، اما می‌بینید که از آیه ۲۸، پیشروی آشوریان را از شهری به شهر دیگر تا رسیدن به اورشلیم در آیه ۳۲ دارید: «او دست خود را بر کوه دختر صهیون، تپه اورشلیم، تکان خواهد داد.» اما سپس مداخله خداوند را داریم: «خداوند کمان را با وحشت خواهد بست، بلندقامتان بریده خواهند شد، متکبران فروتن خواهند شد. او بیشه‌های جنگل را با آهن خواهد برید. لبنان به دست قدرتمندی خواهد افتاد.» بنابراین در پایان فصل ۱۰، شما بریدن آشور را خواهید داشت.

در ابتدای فصل ۱۱، تضادی با آن به این معنا دارید: آشور سقوط اشعیا ۱۱ - شاخه جدید کننده درخت می‌کند تا دیگر برنخیزد - تا سال ۶۱۲ قبل از میلاد، نینوا نابود می‌شود و آشور از بین می‌رود. اما در مقابل، پادشاهی داوود، که آن هم قطع می‌شود - اسرائیل به تبعید می‌رود - نابود نمی‌شود تا دیگر برنخیزد؛ بلکه شاخه جدیدی می‌رویند. کننده درخت باقی می‌ماند؛ هنوز زنده است، و بنابراین در فصل ۱: ۱۱ می‌خوانید: «شاخه‌ای از تنه یسی بیرون خواهد آمد و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد رویید.» اگرچه داوری بر یهودا نیز نازل می‌شود، و دوباره با استفاده از تصویر درخت، یهودا قطع می‌شود، اما هنوز زندگی وجود دارد و خداوند این شاخه، این شاخه را می‌فرستد. بنابراین قوم خدا مجازات شدند، اما مانند آشور کاملاً نابود نشدند.

حال، آیه ۱: ۱۱ آیه‌ای اشعیا ۲: ۱۱ شاخه، شخصی مسیحایی است که توسط روح القدس عطا شده است بسیار شناخته‌شده در عهد عتیق است: «از تنه یسی، شاخه‌ای بیرون خواهد آمد»، که اشاره‌ای کاملاً واضح به مسیح است. این موضوع با ورود به آیه ۲ واضح‌تر می‌شود، زیرا می‌بینید که آیه ۲ طوری صحبت می‌کند که گویی این شاخه و این شاخه یک شخص است، و این شخص، شخصی است که به قدرت روح القدس مجهز شده است: «و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح معرفت و ترس خداوند.» و همانطور که در این فصل پیش می‌روید، آیات ۲ تا ۱۰ نتایج ظهور این شاخه را شرح می‌دهند، و این را می‌توان به دو بخش دیگر تقسیم کرد: ۲ تا ۵ از عطای روح القدس و اعمال او صحبت می‌کنند، و ۶ تا ۱۰ ویژگی‌های پادشاهی او را شرح می‌دهند. پس بیایید با در نظر گرفتن این ساختار به این فصل نگاه کنیم.

همانطور که قبلاً اشاره کردم، آیه ۲ درباره موهبت شاخه توسط روح صحبت الوهیت و شخص مسیحایی

می‌کند. اگر به کتاب اشعیا در ۴:۲ که پیشنهاد کردم باید به معنای مسیحایی نیز در نظر گرفته شود، برگردید، ۴:۲ این است: «آن روز شاخه خداوند زیبا و باشکوه خواهد بود، «به یاد داشته باشید،» و میوه زمین عالی و باشکوه خواهد بود.» حداقل در ۴:۲ اشاره‌ای به الوهیت وجود دارد؛ این شاخه خداوند، الوهیت مسیح آینده است. این موضوع در ۷:۱۴ کمی واضح‌تر می‌شود: «باکره باردار شده و پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل، خدا با ما، خواهید خواند.» الوهیت قطعاً در اشعیا ۷:۱۴ مطرح شده است. و سپس اشعیا ۹:۶: «زیرا فرزندی به ما داده شده است، او عجیب، مشاور، خدای قدیر نامیده خواهد شد.» قطعاً در آنجا الوهیت وجود دارد. بنابراین در آیات که همگی مسیحایی هستند - شما ایده الوهیت را دارید - ۹:۶، ۷:۱۴، ۴:۲.

الوهیت در اینجا در ۱۱:۱ چندان مورد توجه یا تأکید اشعیا ۲:۱۱-۳ ۶ جنبه‌های قدرت روح و داوری عادلانه نیست، بلکه آنچه در اینجا مورد تأکید قرار می‌گیرد، پر شدن او از روح القدس است - پر شدن او از روح القدس و عدالت اعمال او. بنابراین تصویر شروع به کامل شدن از مسیح آینده می‌کند. متوجه می‌شوید که در آیه ۲ شش جنبه مختلف از قدرت روح القدس وجود دارد. من قصد ندارم روی آنها وقت بگذارم، اما روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح دانش و ترس از خداوند - که در دو، دو، دو، بلکه شش جنبه کلی از قدرت روح گروه بندی شده‌اند.

و سپس آیه ۳، عدالت داوری‌های او: «روح او را در ترس از خداوند، تیزبین خواهد ساخت و او بر اساس رویت چشم داوری نخواهد کرد و بر اساس شنیدن گوش‌های خود، تنبیه نخواهد نمود، بلکه با عدالت، فقیران را داوری خواهد نمود.» این داوری سطحی نیست؛ این داوری مطابق با ظاهر و با رویت چشم نیست.» بلکه او مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و برای مظلومان زمین به انصاف تنبیه خواهد نمود و زمین را با عصای دهان خود خواهد زد.» بنابراین آیه سوم از عدالت داوری او صحبت می‌کند. یوحنا ۲:۲۵ درباره مسیح می‌گوید که او هر آنچه در انسان بود را می‌دانست و همان جنبه از قدرت او که در اینجا مد نظر است.

آیه چهارم تنها آیه‌ای است که از فعالیت‌های او صحبت می‌کند و وقتی آیه چهارم را اشعیا ۴:۱۱ حاکم عادل می‌خوانید، چیزهایی که از آنها صحبت می‌شود، به نظر می‌رسد چیزهایی هستند که مشخصه یک حاکم قدرتمند هستند تا یک معلم. به نظر می‌رسد آیه چهارم بر روی چیزهایی متمرکز است که واقعاً هنوز توسط مسیح انجام نشده‌اند. او در ظهور اول خود به عنوان یک بنده رنج کشیده، به عنوان یک معلم آمد؛ او در ظهور دوم خود به عنوان یک حاکم خواهد آمد. همانطور که می‌بینید، آیه چهارم می‌گوید: «او با عدالت، فقرا را داوری خواهد کرد و برای فروتنان زمین به انصاف حکم خواهد کرد و زمین را با عصای دهان خود خواهد زد و شیران را با نفس لب‌های خود خواهد کشت.» و من فکر می‌کنم چیزهایی که در نظر داریم، چیزهایی هستند که در ظهور دوم او اتفاق خواهند افتاد، نه در ظهور اول او. و من فکر می‌کنم که درک این آیه توسط دوم تسالونیکیان ۸:۲ تأیید

می‌شود، جایی که پولس به این آیه اشاره می‌کند، وقتی می‌گوید: «و آنگاه آن شریر آشکار خواهد شد، هنگامی که خداوند با روح دهان خود او را نابود کند و با درخشش ظهور خود او را نابود سازد.» پولس به آینده‌ای فراتر از زمان خود نگاه می‌کند و در زمانی در آینده می‌گوید: «شریر آشکار خواهد شد که خداوند او را با روح [یعنی نفس] دهان خود او را نابود خواهد کرد.» حال، پولس کشتن شریر را با نفس دهانش، با لب‌هایش، چیزی می‌داند که هنوز در زمان خودش اتفاق نیفتاده بود.

فکر می‌کنم نقل قول پولس از این اشعیا ۱۱:۴ – شریر نابود شد [دوم تسالونیکیان ۲:۸؛ مکاشفه ۱۹:۱۱-۲۱] موضوع به روش دیگری نیز به ما کمک می‌کند: وقتی در آخرین عبارت ۱۱:۴ می‌خوانید «با نفس لب‌هایش شریران را خواهد کشت – او شریران را خواهد کشت»، در انگلیسی به این معنی است که او هر شریری را خواهد کشت». او شریران را خواهد کشت «این عبارت مانند یک جمع به نظر می‌رسد، اما نه لزوماً، اگرچه می‌توان آن را به صورت جمع به شکلی که در انگلیسی نوشته شده است، فهمید. در انگلیسی، وقتی یک صفت به عنوان اسم مفعول استفاده می‌شود، دلالت بر جمع دارد. بنابراین، «او شریران را خواهد کشت». اما نکته جالب این است که وقتی پولس به این آیه اشاره می‌کند، از فعل مفرد استفاده می‌کند و این در مورد چیزی است که قرار بود در زمان خودش، زمان پولس، اتفاق بیفتد. او می‌گوید: «آنگاه آن شریر آشکار خواهد شد که خداوند او را با روح دهانش هلاک خواهد کرد» «شریر» - عبری اجازه می‌دهد که به هر دو صورت، چه به صورت مفرد و چه به صورت جمع، استفاده شود - اما پولس صریحاً آن را مفرد می‌کند و «شریر»، در یونانی، اشاره پولس به این است و به وضوح نشان می‌دهد که به یک فرد اشاره می‌شود - این شخص بی‌قانون، *anomos* آیه کلمه یونانی شریر. «سپس کینگ جیمز آن را اینگونه ترجمه می‌کند»: «شریر آشکار خواهد شد که خداوند او را با روح» *است*. کینگ جیمز در *ruah* و در عبری *pneumati* دهانش هلاک خواهد کرد» «روح دهانش» در یونانی *را* به صورت «نفس» می‌داشتیم، شما *pneumati* آنجا می‌گوید: «با نفس لب‌هایش». فکر می‌کنم بهتر بود که *را* همانطور که در هر دو جا آمده است به یک شکل ترجمه می‌کردید. شما می‌توانید این کلمه را *pneumatic* باید به طور یکسان به «نفس»، روح، باد، «ترجمه کنید - اما بهتر بود که آن را به طور منسجم حفظ می‌کردید. اما فکر می‌کنم نکته اصلی در مورد اشاره عهد جدید به آیه ۱۱:۴ این است که ما به وضوح از آن به این نتیجه می‌رسیم که آیه چهارم به چیزی اشاره دارد که هنوز در آینده است، آینده تا زمان پولس، و احتمالاً هنوز در آینده، آینده تا زمان خودمان - مسئله دجال - است.

همچنین تا جایی که به عنوان یک اشاره ممکن است - کمتر واضح است و عبارت به این صراحت نیست اما اگر به مکاشفه ۱۹ بروید، در قسمتی که از آیه ۱۱ شروع می‌شود، متوجه می‌شوید: «من آسمان را گشوده - دیدم. اینک اسبی سفید بود و کسی که بر او سوار بود، امین، درستکار و عدالت‌ناמיד می‌شد. او داوری و جنگ ... می‌کند. چشمانش مانند شعله آتش بود.» و غیره

در آیه ۱۵ یوحنا می‌گوید: «و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید که با آن ملت‌ها را خواهد زد و با عصای آهنین بر آنها حکومت خواهد کرد.» ما این تصور را از دهان خداوند داریم و آنچه از دهان بیرون می‌آید، شیرین را خواهد کشت - در اینجا جمع است، منظور ملت‌ها است - «و او با عصای آهنین بر آنها حکومت خواهد کرد»، تصویری مشابه، و مطمئناً متن اشعیا - در اینجا نقل قول مستقیمی وجود ندارد - اما متن اشعیا می‌توانست در پس‌زمینه آنچه در مکاشفه ۱۵:۱۹ گفته شده است، باشد - بله، جمع است، جمع است. آیه ۲۱ می‌گوید: «و بقیه با شمشیر آن اسب‌سوار که شمشیر از دهانش بیرون می‌آید کشته شدند و همه پرندگان از گوشت آنها سیر شدند»، اما من فکر می‌کنم اشاره تسالونیکیان به اشعیا ۴:۱۱ قطعاً بسیار واضح‌تر از مکاشفه ۱۹ است.

اشعیا ۶:۱۱-۹ ویژگی پادشاهی او

بسیار خوب، پس این بخش اول، ۲-۵، موهبت روح و اعمال او را شرح داد. آیات ۶-۹ ویژگی پادشاهی او را توصیف می‌کند. آیات ۶-۹ بخش معروف اشعیا ۱۱ است: «گرگ با بره ساکن خواهد بود، پلنگ با بزغاله خواهد خوابید، گوساله و شیر جوان و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند؛ و گاو و خرس خواهند چرید، بچه‌هایشان با هم خواهند خوابید؛ شیر مانند گاو گاه خواهد خورد؛ و کودک شیرخوار در سوراخ مار بازی خواهد کرد، و کودک از شیر گرفته شده دست خود را بر لانه افعی خواهد گذاشت - آنها در تمام کوه مقدس من آسیب و فساد نخواهند کرد؛ زیرا زمین پر از دانش خداوند خواهد بود، همانطور که آبها دریا را می‌پوشاند.» ویژگی پادشاهی او ۶-۹: نه، همانطور که ممکن است بگویید، حقایق را خلاصه می‌کند؛ نه می‌گوید: «در تمام کوه مقدس من آسیب و فساد نخواهند رساند؛ زیرا زمین پر از دانش خداوند خواهد بود، همانطور که آبها دریا را می‌پوشاند.»

به نظر من عدد نه نشان می‌دهد که تصویر اینجا، رفع خطر خارجی است که از طریق سلطنت مسیح محقق می‌شود - بله، رفع خطر خارجی که از طریق سلطنت مسیح محقق می‌شود. ضرر و زیانی نخواهد رساند، زیرا زمین از دانش خداوند پر خواهد بود. «به نظر می‌رسد که اشاره اینجا به همان دوره زمانی است که در اشعیا به آن اشاره شده است، زمانی که «شمشیرها برای گاو آهن کوبیده خواهند شد» (و وقتی که در متن موازی ۴-۲:۲ میکاه آمده است): «هر کس زیر تاک و انجیر خود خواهد نشست؛ چیزی نخواهد بود که او را بترساند» - رفع خطر خارجی. خدا می‌گوید زمانی بر روی این زمین خواهد آمد که هیچ کس نیازی به ترس از آسیب ناشی از حمله خارجی نخواهد داشت و آن زمان توسط این حاکم که قرار است بیاید، این حاکم الهی،

حال، با وجود این همه گفته، هنوز یک سؤال وجود دارد و آن برقرار خواهد شد. اشعیا ۶:۱۱-۹ و هزاره سؤال این است: چگونه جزئیات آیات ۶-۹ را درک می‌کنیم؟ آیا باید این را به معنای واقعی کلمه در نظر گرفت؟ یا مجازی است؟ گرگ با بره، پلنگ با بزغاله، گاو و خرس خواهند چرید - همه این جزئیات به نظر من، چه آن را

به صورت مجازی و چه به معنای واقعی کلمه در نظر بگیرید، انکار این نکته که آنچه این عبارت به ما می‌گوید زمانی است که خطر از بین رفته و شرایط صلح و امنیت بیرونی وجود دارد، دشوار است؛ به نظر می‌رسد نکته همین باشد. من فکر می‌کنم حتی اگر این یک توصیف مجازی از زمانی باشد که خطر از بین رفته و صلح و امنیت وجود دارد، می‌توان آن را درک کرد. البته این دوره معمولاً به عنوان هزاره شناخته می‌شود، که از مکاشفه ۲۰ گرفته شده است که می‌گوید شیطان به مدت ۱۰۰۰ سال در بند خواهد بود.

من شخصاً مطمئن نیستم که هزار سال را مطرح کنم؛ این هم ممکن است رقمی برای مدت زمان طولانی باشد. نمی‌دانم که دقیقاً هزار سال لازم است، به خصوص در آن نوع ادبیات، ادبیات آخرالزمانی، اما مطمئناً یک دوره طولانی از صلح و امنیت - شاید هزار سال، شاید رقمی برای مدت زمان طولانی. اشعیا هیچ اشاره‌ای به طول این دوره نمی‌کند؛ او فقط می‌گوید که این زمان فرا رسیده است که این عصا از ساقه جسی حکومت خواهد کرد، زمانی که این شرایط به وجود خواهند آمد.

حال برای بازگشت به آن سوال تحت‌اللفظی یا مجازی، به صفحه انتخاب استناد روش تفسیر اشعیا 11: 6-9 خود نگاه کنید. من چند پاراگراف از جان اسوالد دارم، حدس می‌زنم اسوالد باشد، مطمئن نیستم. این جلد تفسیر 14 بین‌المللی جدید در مورد اشعیا، فصل‌های 1-39 است. چند سال پیش منتشر شد - از استفاده‌ای که از آن کرده‌ام، به نظر می‌رسد کاملاً خوب است. اما به آنچه او اینجا می‌گوید توجه کنید: «سه راه برای تفسیر چنین اظهاراتی وجود دارد» (و او در مورد این آیات ۶-۹ صحبت می‌کند): «اولین راه، تفسیر تحت‌اللفظی است: جستجوی تحقق تحت‌اللفظی کلمات. اگرچه این تفسیر امکان‌پذیر است، اما این واقعیت که گوشت‌خواری شیر برای ماهیت شیر اساسی است و تحقق تحت‌اللفظی پیشگویی مستلزم تغییر اساسی در ماهیت شیر است، نشان می‌دهد که تفسیر دیگری مد نظر است.» بنابراین شما باید اظهارات عهد عتیق در مورد مسیح را آنطور که توسط کلیسا تفسیر مجدد شده است، بسنجید. بنابراین او می‌گوید ۱ (راه اول، تفسیر تحت‌اللفظی است).

روش دوم تفسیر، تفسیر معنوی است: حیوانات نمایانگر شرایط معنوی مختلف در حالات درون انسان هستند - به عبارت دیگر، شما حتی در مورد حیوانات صحبت نمی‌کنید. اگرچه این روش از مشکلات تحقق تحت‌اللفظی جلوگیری می‌کند، اما انبوهی از مشکلات دیگر را ایجاد می‌کند که مهمترین آنها فقدان هرگونه کنترلی بر این فرآیند در متن است. بنابراین، یافتن تطابق‌ها صرفاً به نبوغ مفسران بستگی دارد، برخلاف آیات ۱-۷، که در آن اسرائیل مانند تانگستان است، جایی که تطابق به وضوح نشان داده شده است.

راه سوم برای تفسیر این متن و متون مشابه آن، تفسیر مجازی است. در این رویکرد، می‌توان نتیجه گرفت که از یک استعاره‌ی طولانی برای بیان یک نکته‌ی واحد و فراگیر استفاده شده است: اینکه در سلطنت مسیح، ترس‌های مرتبط با ناامنی، خطر و شر از بین خواهد رفت؛ نه تنها برای فرد، بلکه برای جهان نیز). به رومیان ۸: ۱۹-۲۱ مراجعه کنید، جایی که خلقت در رنج و ناله است. (اینکه خدا دقیقاً چگونه می‌تواند این کار را

در خلاقیت بی‌کران خود انجام دهد، تصمیم اوست، اما می‌توانیم با اطمینان به این باور داشته باشیم که او این کار را انجام خواهد داد - بنابراین آنچه اسوالت پیشنهاد می‌کند سه راه برای انجام آن است. او راه سوم را انتخاب می‌کند. به تمایز بین رویکرد «معنویت‌گرایانه» (او و «استعاره» ای که او آنها را برچسب‌گذاری می‌کند، توجه کنید

حال، چند نکته در مورد آن: اگر این بخش را به معنای واقعی کلمه در نظر بگیرید، مطمئناً ایده‌ای مطرح می‌شود که در اشعیا ۲ یا میکاه ۴ یافت نمی‌شود - این ایده که خلقت حیوانات قرار است در این شرایط صلح و امنیت به گونه‌ای سهیم شود که رفتار و شاید حتی فیزیولوژی آنها را به طور اساسی تغییر دهد. برخی گفته‌اند که آنچه در اینجا از آن صحبت می‌شود، بازگشت به شرایط باغ عدن قبل از سقوط در گناه است، که ایده جالبی است. در فصل‌های اولیه پیدایش می‌بینید که همه آن حیوانات نزد آدم آورده شدند و او آنها را نامگذاری کرد. هیچ نشانه‌ای از خصومت بین آدم و حیوانات یا بین حیوانات وجود ندارد، اگرچه جزئیات زیادی در آنجا وجود ندارد. فقط می‌گویید که خداوند آنها را آورد و آدم آنها را نامگذاری کرد و در میان آنها کسی مانند خودش پیدا نشد و سپس حوا آفریده شد. این تا حدودی جذاب به نظر می‌رسد. با این حال، اگر آن را به این شکل درک کنید، این سوال مطرح می‌شود که قبل از سقوط در گناه، در قلمرو حیوانات مرگ وجود داشته است. آیا قبل از سقوط در گناه، مرگ در قلمرو حیوانات وجود داشته است؟ وقتی در مورد این سوال تأمل می‌کنید، به نظر من کاملاً محتمل است که قبل از سقوط در گناه، مرگ در قلمرو حیوانات وجود داشته است.

فکر می‌کنم در حال حاضر، در پایین صفحه دوم، کتاب «ثبت زمان خدا در رسوبات باستانی» نوشته دنیل واندرلی را در فهرست منابع شما دارم. مطمئنم که این کتاب در کتابخانه و احتمالاً در کتابفروشی هم هست. در آن کتاب، ضمیمه‌ای در صفحات ۲۳۶ تا ۲۴۰ با عنوان «مسئله مرگ قبل از سقوط» وجود دارد. او به تفصیل به این موضوع می‌پردازد و فکر می‌کنم استدلال خوبی برای نتیجه‌گیری وجود مرگ در قلمرو حیوانات قبل از سقوط است. خود مرگ در قلمرو حیوانات، تا آنجا که به اثرات گناه انسان مربوط می‌شود، بخشی از نفرین نبود. می‌دانید، رومیان ۵ می‌گویند که با گناه یک انسان، مرگ وارد جهان شد - مرگ به وسیله گناه؛ به نظر می‌رسد که این به نژاد بشر اشاره دارد، نه لزوماً به قلمرو حیوانات.

ببینید، اگر می‌خواهید بگویید که در قلمرو حیوانات مرگی وجود نداشته، در مورد چه می‌گویید - این ممکن است احمقانه به نظر برسد، اما چیزهایی هستند که باید به آنها فکر کنید - در مورد زمانی که فیل برای نوشیدن به سمت نهر یا برکه آب رفت و روی حشراتی که در علفزار هستند یا غیره پا گذاشت، چه می‌گویید؟ آنها حتماً له شده‌اند. در مورد نهنگ‌هایی که این همه پلانکتون را جذب می‌کنند و خود را حفظ می‌کنند چه می‌گویید؟ می‌دانید، این آبی است که از طریق آن دستگاه‌های غربال‌مانندشان، هر چه که نامیده شوند، سرگردان می‌شود. کل زنجیره غذایی بر اساس تغذیه یک موجود زنده از موجود زنده دیگر ساخته شده است و فکر نمی‌کنم لزوماً بتوان آن را بخشی از هبوط دانست. اگر چنین بود، انبوهی از سوالات دیگر را مطرح می‌کرد، بنابراین فکر می‌کنم باید در مورد جزئیات این موضوع مراقب باشید. سوالات زیادی وجود دارد که می‌توانیم بپرسیم که پاسخ به آنها در آن

زمینه دشوار است. بنابراین من تمایل دارم با اسوالت موافق باشم که یک تفسیر مجازی که از شرایط رفع خطر خارجی صحبت می‌کند، مد نظر است، یا نکته‌ای که با تمام این جزئیات مطرح می‌شود، این نکته واحد، این است که هیچ دلیلی برای ترس وجود ندارد - این ترس برطرف خواهد شد.

اما بیایید به سوال دیگری بپردازیم: مفسران پس از میلاد و غیر پس اشعیا 11: 6-9 از دیدگاه پس از میلاد از میلاد چگونه آیات 6-9 را درک می‌کنند؟ برای دیدگاه پس از میلاد، به صفحه 11 بروید، و من در اینجا چند پاراگراف از تفسیر جوزف آدیسون الکساندر در مورد پیشگویی‌های اشعیا گرفته‌ام - او پس از میلاد بود. او می‌گوید: «بیشتر نویسندگان مسیحی، چه باستانی و چه مدرن، از جمله ابن عزرا و میمونیدس در میان یهودیان، این پیشگویی را کاملاً استعاری و توصیفی از صلحی که قوم خدا از آن برخوردار خواهند بود، توضیح می‌دهند. به عبارت دیگر، در عصر حاضر که انجیل گسترش می‌یابد. این یک توصیف استعاری از صلحی است که قوم خدا در دوران جدید از آن برخوردار خواهند بود.» الکساندر ادامه می‌دهد: «کوکبوس و کلریکوس این متن را به صلح بیرونی بین کلیسا و جهان نسبت می‌دهند، اما معمولاً به عنوان، توجه کنید، «توصیفی از تغییری که مسیحیت در خود انسان‌های شرور ایجاد کرده است، در نظر گرفته می‌شود. ویتزینگا به هر شکل در منظره معنای خاصی می‌دهد و بره، گوساله و حیوان پروار را به مراحل متوالی پیشرفت مسیحی تبدیل می‌کند. شیر [نمایانگر دشمنان آشکار، پلنگ دشمنان پنهان‌تر، گرگ خائن و بدخواه، کودک خردسال وزیر - کودک خردسال آنها را رهبری خواهد کرد - این تصویری از وزیر است»

این نوع تفسیر نه تنها زیبایی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه معنای واقعی پیشگویی را مبهم می‌سازد. کالوین « و هنگستنبرگ فرض می‌کنند که این متن شامل وعده تغییر آینده در خلقت مادی است، به عبارت دیگر، نه فقط در انسان‌هایی که به انجیل پاسخ داده‌اند، بلکه در خلقت مادی - بازگرداندن آن به وضعیت اولیه‌اش (رومیان ۸: ۱۹- در حالی که آنها با سایر نویسندگان در مورد تأثیرات خاص دین حقیقی به عنوان موضوع اصلی آیه ۷، ۲۲) موافقت که در آن آمده است: «گاو و خرس خواهند خورد... پس شیر و گاو کاه خواهند خورد... الکساندر خاطر نشان می‌کند: «ویتزینگا فرضیه تمثیلی خود را با تبدیل گاو به نماینده مسیحیانی که به نقطه‌ای رسیده‌اند که هم آموزش می‌دهند و هم دریافت می‌کنند، هم شیر می‌دهند و هم می‌نوشند، عملی می‌کند. او از استفاده از کاه به عنوان نمادی از حقیقت الهی یا انجیل عذرخواهی می‌کند، زیرا آموزه‌های آن بسیار ساده و برای اشتهای سخت‌گیرانه ناخوشایند است»

ماهیت دلخواهی چنین تفاسیری با اظهار نظر گیل آشکار می‌شود که «کاه» در اینجا به معنای آموزه‌ی درست و در جای دیگر نادرست است. ببینید، شما شروع به رفتن به آن مسیر می‌کنید و تقریباً می‌توانید هر معنایی را که می‌خواهید به عبارات مختلف بدهید. با نقل قول از ۱۱: ۶، «حقیقت این است که نه کاه و نه شیر به خودی خود هیچ معنایی ندارند، اما کاه خوردن شیر به معنای تغییر کامل عادت و در واقع تغییر طبیعت است و بنابراین

نمادی مناسب برای «است، در اینجا نحوه‌ی درک او از آن آمده است،» انقلابی که انجیل، متناسب با نفوذش، در شرایط جامعه ایجاد می‌کند، و سپس با اشاره‌ای احتمالاً مانند قبل به رهایی نهایی اشاره می‌کند «- و او یک یا خلقت غیرمنطقی،» از آن اسارت فساد که اکنون به خاطر انسان در *ktisis* - اصطلاح یونانی در آنجا دارد معرض آن قرار گرفته است. و کودک شیرخوار روی سوراخ مار بازی خواهد کرد؛ کودک از شیر گرفته شده بر «لانه‌ی مارمولک دست خود را دراز خواهد کرد یا قرار خواهد داد

بالای صفحه ۱۲، طبق گفته لوتر و کالوین و هوس، به عنوان کودکانی که قرار بود دست خود را به لانه مارهای ضد مسیحی فرو کنند - در واقع، این صرفاً ادامه استعاره است، همانطور که می‌بینید، روشی است که او آن را به کار می‌برد، که در آیه ۷ آغاز شده است و با یک شکل اضافی، تغییری را که قرار است در جامعه با رواج دین حقیقی ایجاد شود، بیان می‌کند - نه تنها تأثیرات را از بین می‌برد، بلکه امکان زندگی در امنیت را فراهم می‌کند.

می‌بینید، آخرین جمله، نحوه‌ی نگاه او به آن است: «در تمام کوه مقدس من، ضرر و زیانی نخواهند رساند» (و غیره. بند اول به وضوح نشان می‌دهد که توصیف فوق باید به صورت مجازی درک شود: بزرگ و بره باید کنار هم دراز بکشند، به عبارت دیگر، به این معنی است که هیچ کس نباید در پادشاهی مسیح ضرر و زیانی برساند؛ اما اسکندر، مانند سایر پسا-میل‌ها، شرایط صلح را از طریق گسترش انجیل در جامعه می‌بیند، شاید با اشاره‌ای به رهایی خلقت از اسارت فساد. به عبارت دیگر، او آن را فقط به روابط بین انسان‌ها محدود نمی‌کند، شاید به نوعی بر خود خلقت نیز تأثیر بگذارد. حال، می‌بینید، تفاوت زیادی بین درک پسا-میل و پیشا-میل از این موضوع وجود خواهد داشت. تفاوت در نحوه‌ی برقراری این شرایط است: آیا آنها از طریق گسترش انجیل در عصر حاضر برقرار می‌شوند؟ یا باید منتظر بازگشت مسیح باشیم و او پس از بازگشت خود آن را برقرار خواهد کرد؟

اشعیا ۶: ۱۱-۹ از دیدگاه یک فیلسوف

بسیار خوب، این مربوط به بعد از جنگ جهانی دوم است. برای تفسیر یک جنگ جهانی دوم، به صفحات ۱۹ و در بخش نقل قول‌هایتان مراجعه کنید. این متن از کتاب ای. جی. یانگ، جلد ۱، صفحه ۳۹۰، پاراگراف ۱۸ دوم، بالای صفحه ۱۸ گرفته شده است. یانگ می‌گوید: «چگونه باید کلمات این پیشگویی باشکوه را بفهمیم؟ برخی فکر می‌کنند که این متن صرفاً بازگشت به بهشتی را به تصویر می‌کشد، همانطور که عموماً توسط گذشتگان آموزش داده می‌شد) «برای منابع به یادداشت ۱۳ مراجعه کنید» (به گفته مفسران قدیمی‌تر، این عبارات تغییر در دنیای حیوانات صرفاً تصاویری برای بیان تغییر در خود انسان بودند؛ بنابراین، به عنوان مثال، کالوین، پیامبر با اشاره به این تصاویر نشان می‌دهد که در میان قوم مسیح هیچ تمایلی برای آسیب رساندن به یکدیگر، هیچ وحشیگری یا هیچ رفتار غیرانسانی وجود نخواهد داشت. و بدون شک پیامبر می‌خواهد تعلیم دهد که تغییری در

طبیعت انسان رخ خواهد داد، تا آنجا که این نعمت آینده، نعمتی خواهد بود که در آن دانش خداوند زمین را فرا خواهد گرفت، همانطور که آبها دریا را می‌پوشانند. در عین حال، باید توجه داشت که اشعیا تأکید زیادی بر خود حیوانات داشته است و همین واقعیت نشان می‌دهد که نمی‌توان با تفسیر مجازی، جزئیات را به طور کامل بیان کرد. اگر همه چیز صرفاً مجازی باشد، منظور از چنین اظهارات دقیقی در مورد تغییر در حیوانات چیست؟ همچنین به نظر می‌رسد که در اینجا ما یک توازی یا مقایسه با شرایط قبل از سقوط انسان به گناه داریم. قبل از ورود گناه به جهان، حیوانات یاور انسان بودند و توسط... نامگذاری می‌شدند «هر آنچه خدا آفریده بود نیکو بود؛ حداقل خصومت بین انسان و حیوان ناشناخته بود.

هنگستنبرگ به درستی می‌گوید، من معتقدم، و مطابق با کتاب مقدس، «جایی که عصا نبود، شیر هم نبود.» آیا این‌طور نیست که در زبان اشعیا، «شیر مانند گاو گاه خواهد خورد»، بازتابی از فرمان و اجازه‌ای باشد که به حیوانات داده شده است که هر گیاه سبز باید برای آنها گوشت باشد؟ «پاراگراف بعدی در صفحه ۳۹۱، صفحه بعد است.» سایر متون کتاب مقدس نیز نشان می‌دهد که وقتی شر در خلقت عقلانی متوقف شود، بازتاب شر از خلقت غیرعقلانی ناپدید خواهد شد (اشعیا ۶۵:۲۵، ۶۶:۲۲). (این تغییر در خلقت غیرعقلانی، البته، به معنای تغییر شگفت‌انگیزتری در میان خود انسان‌ها است. حیوانات دیگر با یکدیگر دشمنی ندارند زیرا شر از انسان‌ها دور شده است. انسان‌ها خداوند را خواهند شناخت، و بازتاب این واقعیت به نظر می‌رسد که حتی در میان حیوانات نیز توقف کامل و تمام‌عیار خصومت وجود خواهد داشت. همچنین می‌توان اشاره کرد که حتی با این تفسیر کمابیش تحت‌اللفظی، ممکن است مجبور نباشیم تمام جزئیات را مطرح کنیم. برای مثال، نیازی نیست فرض کنیم که تغییرات فیزیولوژیکی در ساختار شیر رخ خواهد داد. تنها چیزی که به وضوح آموزش داده شده این است که حیوانات یکدیگر را شکار نخواهند کرد. همانطور که هنگستنبرگ می‌گوید، این «حد نهایی تغییراتی است که باید توسط حکومت مبارک مسیح ایجاد شود. در اینجا تغییری وجود دارد، چه رسد به تغییر در میان انسان‌ها.» (بالای صفحه ۱۹)

با این حال، این تغییر چه زمانی ظاهر خواهد شد؟ در پاسخ، باید توجه داشت که اشعیا بر این واقعیت تأکید کرده است که مسیح، شاهزاده صلح است. وقتی مسیح کار مسیحایی خود را به پایان رساند، و در اینجا به همان موضعی می‌رسیم که یانگ در رابطه با اشعیا ۲ اتخاذ کرد: «هنگامی که مسیح کار مسیحایی خود را به پایان رساند، صلح در قلب انسان‌ها برقرار می‌شود و تا جایی که انسان‌ها به اصول صلحی که از مسیح دریافت کرده‌اند، وفادار باشند، برکاتی که در اینجا به تصویر کشیده شده است، به دست می‌آیند.» بنابراین تا حدی اکنون در حال تحقق است، تا جایی که انسان‌ها به اصولی که از مسیح دریافت کرده‌اند وفادار باشند - بنابراین تا حدی اکنون در حال تحقق است. با این حال، این وضعیت به طور کامل تحقق نخواهد یافت تا زمانی که زمین با دانش خداوند پوشیده شود، و این وضعیت فقط در آسمان‌های جدید و زمین جدید که در آن عدالت ساکن است، حاصل خواهد شد.

بنابراین او می‌گوید که تا حدی اکنون تا حدی تحقق می‌یابد که مردم به آموزه‌های مسیح وفادار باشند. با این حال، به طور کامل، تنها در آسمان‌ها و زمین جدید محقق خواهد شد.

او تمایل دارد که اینطور باشد، شاید نه صد در صد، اما تمایل دارد در آن جهت حرکت کند زیرا می‌گوید: اگر قرار نیست واقعاً روی حیوانات تأثیر بگذارند، پس معنی مجازی همه حیوانات چیست؟ اگرچه منظور او این است که تا زمانی که گناه وجود دارد، حیوانات همچنان به همین شکلی که اکنون هستند خواهند بود - تا زمانی که گناه به طور کامل از بین نرود، حیوانات در این نوع شرایط سهیم نخواهند بود.

می‌توانید از آنچه او می‌گوید این نتیجه را بگیرید، اما او صریحاً این را نمی‌گوید. اما می‌بینید، او می‌گوید: تا جایی که انسان‌ها به اصول صلح وفادار باشند، تا آنجا برکات اینجا حاصل می‌شود. «بنابراین این یک نوع» درجه‌بندی مشروط است. حالا، می‌توانید برگردید، می‌دانید، اما او می‌تواند بگوید: «خب، انسان‌ها به اندازه کافی به آنچه که باید پایبند باشند پایبند نیستند، بنابراین ما آن نتایج را نمی‌یابیم.» بنابراین شما این زمان صلح را به حالت ابدی سوق می‌دهید.

در پایین صفحه ۱۸ جزو هام، جایی که می‌گوید: «ما نیازی به اصرار بر جزئیات نداریم»، این مربوط به بند ۳۹۱ است. خب، نه، او آنجا می‌گوید: «همین واقعیت نشان می‌دهد که نمی‌توان یک تفسیر مجازی را با جزئیات انجام داد.» آیا نکته همین است؟ او نه، جمله بعدی این است: «اگر همه چیز صرفاً مجازی است، فایده چنین جزئیاتی چیست؟» «بله، این در صفحه ۳۹۰، درست صفحه قبل است.

اما، می‌بینید، او می‌گوید که این پیشگویی اکنون تا حدی محقق شده است، اما کمال در حالت ابدی حاصل می‌شود - این ابتدای صفحه ۱۹ است. او در ادامه می‌گوید: «براکر می‌گوید: هر جا گناه باشد، فقدان صلح وجود دارد؛ تنها جایی که عدالت حاکم باشد، صلح وجود دارد.» به همین دلیل، شرایطی که در اینجا شرح داده شده است، توجه کنید، «نمی‌تواند برای یک هزاره فرضی صدق کند.» به همین دلیل است که او تفسیر هزاره را رد می‌کند. طرفداران نظریه هزاره‌گرایی معتقدند که حتی در طول هزاره گناه وجود دارد، زیرا پس از هزاره ملت‌ها برای «نبرد گرد هم خواهند آمد. با این حال، تصویری که پیش روی ماست، تصویری است که در آن هیچ گناهی وجود ندارد، بلکه کامل‌ترین تجلی صلح در آن دیده می‌شود. ما این کلمات را با قلبی سپاسگزار می‌خوانیم، زیرا می‌دانیم که روزی ما نیز از این نعمت‌ها به معنای کامل آنها لذت خواهیم برد، و ما فقط به خاطر کار عمانوئیل از آنها لذت خواهیم برد - کسی که از نی یسی متولد شد، کسی که در نبرد بزرگ جلجتا، شریران را کشت تا خود را برای گناه فدا کند، به نام او همه ستایش، افتخار و جلال باد.» این در ۳۹۱ است.

بنابراین شما این سوال را می‌پرسید، چه زمانی این اشعیا ۶: ۱۱-۹ چه زمانی این پیشگویی محقق خواهد شد؟ پیشگویی محقق خواهد شد؟ پیروان مکتب پسا-میل در عصر حاضر می‌گویند که این امور به وسیله‌ی گسترش انجیل، همزمان با ظهور تأثیرات دین حقیقی در جامعه و در خلقت، محقق خواهند شد. الکساندر معتقد است که

همانطور که اشاره کردیم، دلیچ، که او نیز از پیروان مکتب پسا-میل بود، در صفحه‌ی ۱۲ نقل قول‌های شما، دلیچ... در وسط صفحه می‌گوید: «آباء کلیسا و مفسرانی مانند لوتر، کالوین و ویتزینگا، تمام این چهره‌ها را از دنیای حیوانات به عنوان نمادهایی نمادین گرفته‌اند. از سوی دیگر، خردگرایان مدرن آنها را به معنای واقعی کلمه فهمیده‌اند، اما کل آن را به عنوان یک رویا و آرزوی زیبا در نظر می‌گیرند.» با این حال، به آنچه او می‌گوید توجه کنید، این یک پیشگویی است که تحقق آن در این سوی مرز بین زمان و ابدیت قابل انتظار است، و همانطور که پولس در رومیان ۸ نشان داده است، حلقه‌ای جدایی‌ناپذیر در مسیر مقدر شده فعلی تاریخ نجات است. اکنون در میان موجودات غیرمنطقی، از بزرگترین تا کوچکترین، حتی در میان آنهایی که نامرئی هستند، درگیری‌های شدید و خونخواری از وحشی‌ترین نوع حکومت می‌کند. اما هنگامی که پسر داوود به طور کامل میراث سلطنتی خود را به دست آورد، آرامش بهشت تجدید خواهد شد و هر آنچه در افسانه محبوب عصر طلایی صادق است، تحقق یافته و تأیید می‌شود - این همان چیزی است که پیامبر با چنین رنگ‌های زیبایی به تصویر می‌کشد.

بنابراین، پسا-میل‌ها می‌گویند در عصر حاضر به وسیله‌ی انتشار انجیل؛ پیش-میل‌ها می‌گویند تا حدی در عصر حاضر، اما کاملاً در حالت ابدی؛ در حالی که پیش-میل‌ها می‌گویند این شرایط تا زمانی که مسیح برنگردد و پادشاهی خود را برقرار نکند، با آن عصای آهنین حکومت نکند و این شرایط را بر روی زمین برقرار نکند، محقق نخواهند شد.

حالا من در مورد پیش از میلاد به طور کلی می‌گویم. جی. بارتون پین رویکرد خودش را دارد: به صفحه وسط صفحه نگاه کنید. او در مورد این پیشگویی صحبت می‌کند؛ او می‌گوید: «دوره تحقق ۱۵»، اگر از ۱۵، *دایره‌المعارف پیشگویی‌های کتاب مقدس او استفاده کرده باشید*، می‌دانید که او تاریخ رستگاری را، حدس می‌زنم بتوان گفت، به دوره‌هایی تقسیم می‌کند و به هر دوره یک شماره می‌دهد تا وقتی به یک پیشگویی خاص می‌رسد و می‌خواهد در مورد تحقق آن بحث کند، بتواند فقط به آن شماره اشاره کند - این یک طرح جالب است. اما دوره ۱۵ در طرح او، هزاره است. بنابراین او می‌گوید «دوره تحقق ۱۵»، این هزاره است «همانطور که در مزمو ۹۶:۱۲، شادی در طبیعت در بازگشت مسیح، رومیان ۸:۲۱، با این حال»، و این پیچشی است که او به آن می‌دهد، «به نظر می‌رسد کتاب مقدس رفتار فعلی حیوانات وحشی را به روابط آنها با انسان‌ها و با حیوانات اهلی بشر محدود می‌کند. آنها از تخریب «در تمام کوه مقدس من» منع شده‌اند، اما در جای دیگر، شیرها و گرگ‌ها نباید کمتر از آنچه که به نظر می‌رسد قبل یا خارج از عدن بوده‌اند، گوشتخوار باشند.» بنابراین او در واقع دو چیز را مطرح می‌کند. او می‌گوید شرایط اینجا صرفاً به کوه صهیون محدود می‌شود. در جای دیگر، حیوانات احتمالاً همانطور که هستند باقی می‌مانند، اما بعد می‌بینید که او این قیاس را به سفر پیدایش برمی‌گرداند و می‌گوید که شرایط انفعال در میان حیوانات محدود به باغ عدن بوده است. در خارج از باغ عدن، احتمالاً همه چیز به طور کلی همانطور بوده است. بنابراین، یک پیشنهاد جالب

خب، آیه ۱۰: «در آن روز ریشه‌ای از یسی خواهد بود» ببینید که به اشعیا ۱۱:۱۰ آرامش باشکوه مسیحایی آیه ۱ برمی‌گردد، «که به عنوان پرچمی برای قوما خواهد ایستاد. ملت‌ها او را خواهند طلبید و آرامش او باشکوه خواهد بود.» آیه ۱۰ بسیار شبیه به اشعیا ۲:۳ است، زیرا ۲:۳ از ملت‌هایی که به صهیون می‌آیند صحبت می‌کند. می‌گوید: «و بسیاری از مردم خواهند رفت و خواهند گفت: بیایید، به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب ۲:۳ برویم. و او راه‌های خود را به ما خواهد آموخت و ما در راه‌های او گام خواهیم برداشت. زیرا از صهیون شریعت و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد.» می‌بینید، اینجا این را داریم: «ریشه‌ای از یسی پرچمی برای قوما خواهد بود، ملت‌ها او را خواهند طلبید» و سپس آیه با عبارت «آرامش او باشکوه خواهد بود» پایان می‌یابد. ولگاته ترجمه کرده است، «سپولیکر او باشکوه خواهد بود»، (sepulcher) لاتین آن را به عنوان سپولیکر آرامگاه او - سپولیکر «و آن را پیش‌بینی شکوه سپولیکر مقدس در اورشلیم دانسته است، که یک تفسیر سنتی» کاتولیک رومی بوده است. اما اگر به کاربرد کلمه «آرامگاه» در زبان عبری نگاه کنید، هرگز به معنای سپولیکر استفاده نشده است. این کلمه از مکانی صحبت می‌کند که در آن آرامش وجود دارد، و به نظر می‌رسد که درک این موضوع در ارتباط با سخنان مسیح بسیار بهتر است: «ای همه زحمتکشان و گرانباران، نزد من بیایید و من به شما آرامش خواهم داد» متی ۱۱:۲۸. «(بنابر این ملت‌ها به دنبال کسی خواهند گشت که خواهد آمد، و آرامش او باشکوه خواهد بود، در مسیح آرامش خواهند یافت.

خب، سوال یا نظری در این مورد دارید؟ اشعیا ۱۱: ۱-۱۰، متنی شناخته شده و قطعاً بسیار جالب است.

به نظر من، متنی است که در مورد دوره هزاره صحبت می‌کند.

سوال: قبر چیست؟

پاسخ: یک مقبره. کلیسای مقبره مقدس در اورشلیم احتمالاً محل دفن عیسی است. این موضوع مورد اختلاف است. او در یک مقبره باغی در خارج از شهر بود که بسیاری فکر می‌کنند محل دفن عیسی است. اما مقبره به معنای محل استراحت است. دانشجو چیزی را وسط حرفش پراند [مقبره؟ مطمئن نیستیم؛ اگر اینطور باشد تعجب نمی‌کنم. من از ریشه‌شناسی کلمه مقبره مطمئن نیستم. اما در زبان لاتین ولگاته این کلمه به جای «آرامگاه» به معنای محل دفن، «مقبره» ترجمه شده است.

باشه؟ بیا به استراحت ده دقیقه‌ای بکنیم و بعد به بخش آخر فصل نگاه می‌کنیم.

رونویسی شده توسط نائومی تووز، ۲۰۰۹، کالج گوردون

تدوین: کارلی گیمن

ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت

ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس

روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس